بررسی تطبیقی جایگاه و چگونگی ذکر صلوات بر پیامبرﷺ در احادیث فریقین ـ علی اکبر کلانتری
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دوازدهم، شماره ۴۵ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۹ ـ ۸۰

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

بررسی تطبیقی جایگاه و چگونگی ذکر صلوات بر پیامبرﷺ در احادیث فریقین

علی اکبر کلانتری *

چکیده: درود فرستادن برپیامبرﷺ و خاندان اوعليهم‌السلام، از ذکرهای مهم و پراستعمالی است که در امت اسلامی، جایگاهی رفیع و بی‌بدیل دارد.

این ذکر، درروایات اهل سنت، با عبارت‌های گوناگون و عمدتا به چهار صورت نقل شده که یکی از این صورت‌ها، مشهورتر و به نظر آنان از اعتبار بیشتری برخوردار است، ولی دامنه این اختلاف در میان شیعه کمتر است و به هر حال می‌توان با بررسی بیشتر در این زمینه و رفع برخی ابهامات، از این عامل به ظاهر اختلافی، در راستای وحدت جامعه اسلامی، بهره برد.

کلیدواژه‌ها: پیامبرﷺ، آل پیامبرﷺ، صلوات، اهل سنت، شیعه.

*. دانشیار دانشگاه شیراز.

درآمد

از ذکرهای مهم در میان مسلمانان که برای آن فضیلت‌ها و پاداش‌های فراوانی برشمرده‌اند، ذکر صلوات و درود بر پیامبر گرامی اسلامﷺ و خاندان پاک او است. البته چنان که می‌دانیم تعبیر رایج در میان برادران اهل سنت برای ابراز این ذکر، بیشتر "صلی الله علیه و سلّم" **یا** "اللهم صلّ علی محمد وسلّم" و درمیان شیعه "اللهم صلّ علی محمد وآل محمد" **یا** "صلّی الله علیه وآله وسلّم" می‌باشد.

در روایات اهل سنت، عبارت‌های حاکی از ذکر صلوات، عمدتا به چهار صورت نقل شده که البته یکی از این صورت‌ها، مشهورتر و از راویان بیشتر و اسناد بهتری برخوردار است، در حالی که دامنه اختلاف در میان شیعه پیرامون حکم و چگونگی ادای این ذکر، کمتر است.

البته از ویژگی‌های روایات شیعه آن است که بر الحاق آل پیامبرﷺ به آن حضرت در ذکر صلوات تاکید می‌ورزد و به دیگر سخن، از صلوات ناقص و به تعبیر روایات، از صلوات مبتوره نهی می‌کند.

این مقاله با بهره‌گیری از روایات فریقین، نخست به بررسی جایگاه، حکم و چگونگی ذکر صلوات در منابع اهل سنت و سپس به بررسی جایگاه، حکم وچگونگی آن در منابع شیعه می‌پردازد و با طرح برخی مباحث مهم، توضیح خواهد داد که می‌توان با رفع برخی ابهامات و پاسخ به پاره‌ای از شبهات، از دامنه اختلاف کاست و این نقطه به ظاهر اختلافی را به عاملی وحدت ساز تبدیل نمود.

الف- اهل سنت وذکر صلوات

۱- جایگاه

در منابع حدیثی اهل سنت به روایات فراوانی برمی‌خوریم که حاکی از اهمیت و جایگاه رفیع ذکر صلوات بر پیامبر گرامی اسلامﷺ است. مصدر نخستین این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

روایات، بیشتر خود پیامبرﷺ و در پاره‌ای موارد، صحابه آن حضرت است. از قسم نخست است نمونه‌های ذیل:

– ابوهریره: انّ رسول اللهﷺ قال: من صلّی علیّ واحدة صلّی الله علیه عشرا. (مسلم، ج۲، ص۱۷، نسایی، ج۳، ص۵۰) "پیامبرخداﷺ فرمود: هرکس، یک بار برمن درود بفرستد، خداوند ده بار براو درود بفرستد."

– عبدالله بن عامر، به نقل از پدر خود: انّ النبیﷺ قال: ما من مسلم یصلّی علیّ الا صلّت علیه الملائکة ما صلیّ علی، فلیقلّ العبد من ذلک او لیکثر. (ابن ماجه، ج۱، ص۲۹۴) "پیامبرﷺ فرمود: هیچ مسلمانی بر من درود نمی‌فرستد مگر اینکه تا وقتی او درود می‌فرستد، فرشتگان بر او درود می‌فرستند، حال این کار را کم انجام دهد یا زیاد."

– ابن عباس: ان رسول اللهﷺ قال: من نسی الصلاه علیّ خطیء طریق الجنه. (همان) "هرکس صلوات بر مرا فراموش کند (ترک نماید) راه بهشت را اشتباه رفته است."

– عبدالله بن مسعود: ان رسول اللهﷺ قال: اولی الناس بی یوم القیامه اکثرهم علیّ صلاة. (ترمذی، ج۱،ص۳۰۲) "رسول خداﷺ فرمود: سزاوارترین مردم نسبت به من در روز قیامت، کسانی‌اند که برمن درود بیشتر بفرستند."

– فضاله بن عبید انصاری: روزی پیامبرﷺ مردی را دید که نماز به جای آورد، ولی خدا را حمد و ثنا نگفت و بر پیامبرﷺ درود نفرستاد و رفت، حضرت فرمود: اوعجله کرد، سپس وی را صدا کرده و به او و دیگران گفت: اذا صلّی احدکم فلیبدأ بتحمید ربه و الثناء علیه ثم لیصلّ علی النبیﷺ ثم یدعو بما شاء. (حاکم نیشابوری، ج۱، ص۲۶۹) "هرگاه یکی از شما نماز گزارد، به حمد و ثنای پروردگارش آغاز کند، سپس بر من درود فرستد و پس از آن در هر مورد می‌خواهد دعا کند."

– ابوهریره: پیامبرﷺ فرمود: هرکس بگوید: اللهم صلّ علی محمد وآل محمد کما صلّیت علی ابراهیم وآل ابراهیم وبارک علی محمد وآل محمد کما بارکت علی ابراهیم وآل ابراهیم وترحم علی محمد وآل محمد کما ترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم، من روز قیامت به نفع او

شهادت داده وی را شفاعت می‌کنم. (بخاری، الادب المفرد، ص۱۳۹)

واز قسم دوم است نمونه‌های ذیل:

– عمر بن خطاب: ان الدعاء موقوف بین السماء والارض ولا یصعد منه شیء حتی تصلّی علی نبیّکﷺ. (ترمذی، ج۱، ص۳۰۳) "دعا، بین آسمان وزمین متوقف می‌ماند و چیزی از آن بالا نمی‌رود، تا اینکه بر پیامبرتﷺ درود فرستی."

– شعبی: من لم یصلّ علی النبیﷺ فی التشهد فلیعد صلاته. (بیهقی، ج۲، ص۲۷۹) "هر کس در تشهد، بر پیامبرﷺ درود نفرستد، باید نمازش را اعاده کند."

– عبدالله بن مسعود: اذا صلّیتم علی رسول اللهﷺ فاحسنوا الصلاة علیه فانکم لا تدرون لعل ذلک یعرض علیه. (ابن ماجه، ج۱، ص۲۹۴) "هرگاه بر پیامبر خداﷺ درود می‌فرستید، این کار را به خوبی انجام دهید، شما نمی‌دانید شاید این عمل شما بر او عرضه شود."

۲- حکم

چنان که خواهیم دید، در مورد حکم فقهی صلوات بر پیامبرﷺ در میان شیعه، اختلاف چندانی نیست، فقهای شیعه ذکر صلوات بر آن حضرت را در تشهد نماز، واجب و در غیر نماز هرگاه نام ایشان بر زبان جاری شود یا کسی نام آن حضرت را بشنود مستحب مؤکّد می‌دانند. ولی دامنه اختلاف میان فقهای اهل سنت در این باب گسترده است.

ابن حجر عسقلانی، ذیل عنوان "باب الصلاة علی النبیﷺ" می‌گوید: من در این زمینه به ده قول دست یافته‌ام:

۱- ابن جریرطبری، صلوات بر پیامبرﷺ را مستحب دانسته و بر آن ادعای اجماع نموده.

۲- ابن قصار آن را به طور فی الجمله واجب دانسته، ولی گفته است یک بار گفتن آن کفایت می‌کند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

۳- ابوبکر رازی حنفی، ابن حزم و برخی دیگر گفته‌اند: در نماز و غیر نماز واجب است. به گفته قرطبی، در وجوب یک بار آن اختلافی نیست.

۴- به گفته شافعی و پیروان او، ذکر صلوات بین تشهد و سلام واجب است.

۵- از نظر شعبی و اسحاق بن راهویه، این ذکر در تشهد واجب است.

۶- به گفته ابو جعفر باقر، در نماز واجب است ولی محل معینی ندارد.

۷- بنابر دیدگاه ابوبکر بن بکیر مالکی، واجب است این ذکر فراوان گفته شود، ولی عدد آن معین نیست.

۸- طحاوی، گروهی از حنفی‌ها، حلیمی و دسته‌ای از شافعی‌ها، گفته‌اند، هرگاه نام حضرت برده شود، این ذکر واجب است. ابن عربی مالکی و همچنین زمخشری این قول را احوط دانسته‌اند.

۹- براساس نقل زمخشری، برخی گفته‌اند این ذکر در هر مجلس یک بار واجب است هر چند نام حضرت تکرار شود.

۱۰- نیز براساس نقل وی، این ذکر درهردعا واجب است. (عسقلانی، ج۱۱، صص۱۲۸-۱۲۹)

ممکن است بتوان برخی از این اقوال را جمع نمود و قدری از دامنه اختلاف میان آنان کاست، چنان که صحت انتساب برخی از این اقوال به قائلان آن‌ها قابل بررسی است، برای مثال، قول ششم که به امام باقر علیه‌السلام نسبت داده شده، باید با توجه به دیدگاه امامیه بررسی شود و اساسا نمی‌توان آن را از اقوال اهل سنت دانست، چنان که انتساب قول چهارم به ابن ادریس شافعی مشهور است و نباید در صحت آن تردید نمود.

وی گفته است:

یا اهل بیت رسول الله حبّکم　　فرض من الله فی القرآن انزله

کفاکم من عظیم القدر انکم　　من لا یصلّی علیکم لا صلاة له

"ای خاندان پیامبرخدا! دوست داشتن شما، از سوی خدا واجب شده، این را درقرآن فرو فرستاده است. در عظمت قدر و منزلت شما همین بس که هرکس (در نماز خود)

بر شما درود نفرستد، نمازی برای او نیست." (نک: زرندی، ص۱۸، ابن بطریق، ص۲۰، قاضی نعمان مغربی، ج۲، ص۴۸۹، بکری دمیاطی، ج۱، ص۴۸۹)

چنان که به احتمال زیاد، مورد قول نخست و برخی اقوال دیگر، غیر نماز است، بر این مبنا که همه ایشان این ذکر را در نماز و هنگام تشهد واجب می‌دانند، سخن زیر از عسقلانی نیز می‌تواند اشاره به همین امر باشد:

لم أر عن احد من الصحابه و التابعین التصریح بعدم الوجوب. (عسقلانی، ج۱۱، ص۱۴۱) "ندیدم هیچ یک از صحابه و تابعین، تصریح به عدم وجوب کرده باشند."

چگونگی

در مورد صورت و چگونگی ذکر صلوات نیز در روایات اهل سنت، اختلافاتی به چشم می‌خورد. می‌توان با تکیه بر این روایات و البته با صرف نظر از برخی تفاوت‌های جزئی در عبارت‌های آنها، از چهار صورت ذیل یاد کرد:

صورت نخست:

اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم وبارک علی محمد کما بارکت علی آل ابراهیم فی العالمین انک حمیدمجید.

این عبارت یا عبارت‌های نزدیک به آن را بسیاری از محدثان اهل سنت گزارش کرده‌اند.

احمد بن حنبل، با سند خود از ابن مسعود انصاری نقل می‌کند که وی گفت: در مجلس سعد بن عباده بودیم که رسول خدا ﷺ وارد شد. در آن مجلس، بشیر بن سعد به حضرت عرض کرد: خداوند به ما دستور داده به شما درود بفرستیم، چگونه درود بفرستیم؟ پیامبر ﷺ سکوت اختیار کرد به گونه‌ای که پنداشتیم که از پاسخ دادن کراهت دارد، ولی سپس فرمود: بگویید: اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد کما صلّیت... (ابن حنبل، ج۵، ص ۲۷۴، نیز نک: مسلم، ج۲، ص۱۶، ابو داود، ج۱، ص۲۲۲، ترمذی، ج۵، ص۳۸، نسایی، ج۳، ص۴۵، بیقهی، ج۲، ص۱۴۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

نیز ابن حنبل با سند خود از ابی سعید خدری نقل می‌کند که وی گفت: به پیامبرﷺ عرض کردیم: هذا السلام علیک قد علمناه فکیف الصلاة علیک؟ این نحوه سلام کردن بر شما، که آن را یاد گرفتیم، پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگویید: اللهم صلّ علی محمد عبدک و رسولک کما صلّیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم. (ابن حنبل، ج۳، ص۴۷، بخاری، ج۶، ص۲۷، ابن ماجه، ج۱، ص ۲۹۳، ابن ابی شیبه کوفی، ج۲، ص۳۹۱)

اسماعیل بن اسحاق جهضمی مالکی (د۲۸۲ق) در زمینه صدور این روایت، گزارش کاملی می‌دهد و می‌نویسد: لمّا نزلت هذه الآیه: انّ الله و ملائکته یصلّون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیما، قلنا یا رسول الله! قد علمنا السلام فکیف الصلاة؟

قال: قولوا: اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت وصلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید. (جهضمی، ص۵۴)

"چون آیه "**انّ الله وملائکته یصلّون علی النبی** ..." (احزاب/۵۶) نازل شد (و ما براساس آن مامور شدیم بر پیامبرﷺ سلام کنیم و صلوات فرستیم) عرض کردیم: ای پیامبرخدا! چگونگی سلام کردن بر شما را فرا گرفتیم، نحوه صلوات فرستادن بر شما چگونه است؟ فرمود: بگویید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد کما ..."

روایات زیر نیز هریک به نحوی، صورت نخست را گزارش می‌کنند:

دارمی، با سند خود از ابی لیلی نقل می‌کند که وی گفت: لقینی کعب بن عجزه قال: الا اهدی الیک هدیة؟ ان رسول اللهﷺ خرج علینا فقلنا: قد علمنا کیف السلام علیک فکیف نصلّی علیک؟

کعب بن عجزه با من ملاقات کرده، گفت: آیا هدیه‌ای به تو ندهم؟ (روزی) پیامبر خداﷺ به سوی ما آمد، به ایشان عرض کردیم: ما نحوه سلام کردن بر شما را آموختیم، چگونه بر شما درود فرستیم؟ فرمود: بگویید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل

محمد کما صلّیت علی ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم انک حمید مجید. (دارمی، ج۱، ص۳۰۹، نیز نک: بخاری، ج۷، ص۱۵۶،مسلم، ج۲، ص۱۶، ابن ماجه، ج۱، ص۲۹۳، نسایی، ج۳، ص۴۸، بیهقی، ج۲، ص ۱۴۷)

نسایی ذیل عنوان "کیف الصلاة علی النبیﷺ" با سند خود از موسی بن طلحه از پدرش نقل می‌کند که وی گفت: عرض کردیم: ای رسول خدا! چگونه برشما درود فرستیم؟ فرمود: بگویید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمیدمجید. (شافعی، ص۴۲)

ابن ادریس شافعی با سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که وی گفت: به رسول خداﷺ عرض کردیم: چگونه هنگام نماز برشما درود فرستیم؟ فرمود بگویید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم. (همان) [1]

۱. گفتنی است در عبارت‌های صورت نخست، تعبیری به کار رفته که تا حدودی قابل درنگ به نظر می‌رسد و آن عبارت "**کما صلّیت علی ابراهیم**" یا "**کما بارکت علی ابراهیم**" و مانند آن است. چه اینکه افضل و اشرف بودن پیامبرگرامی‌اسلامﷺ نسبت به همه پیامبرانﷺ از جمله حضرت ابراهیمؑ اقتضا می‌کند تشبیه به عکس این باشد. عالمان اهل سنت به این اشکال پاسخ‌هایی داده‌اند از جمله:

– این که پیامبرﷺ درخواست می‌کند "خداوند بر او درود فرستد همانگونه که بر ابراهیمؑ درود فرستاد" و تعبیرات مانند، آن مربوط به زمانی است که هنوز نمی‌دانست وی از همه پیامبران افضل و اشرف است.

– این درخواست پیامبرﷺ برای امتش بود، نه برای خود و خاندانش.

– سخن با جمله "صلّ علی محمد" تمام شده وعبارت "و علی آل محمد" گزاره‌ای است جدید و جملات بعدی تنها مرتبط با همین گزاره می‌باشد و تقاضای همانندی با ابراهیمؑ و آل او صرفا برای آل پیامبرﷺ است.

– مورد تقاضا آن است که خداوند برای محمدﷺ و آل او، همه آن مقدار صلوات و برکاتی را قرار دهد که برای ابراهیمؑ و آل او قرار داده زیرا منظور از آن، پیامبر همه پیروان او است و با این حساب همه پیامبران دیگر و پیروانشان، آل ابراهیمؑ خواهند بود در حالی که هیچ پیامبری درآل محمدﷺ داخل نخواهد بود و بدین ترتیب مقدار صلوات وبرکات درمشبه، کمتر از آن در مشبه به خواهد بود.

– این تشبیه از باب الحاق کامل به اکمل نیست، بلکه نوعی تقاضا به گونه اولویت محسوب می‌شود و معنای عبارت این است که صلوات و برکاتی که برای ابراهیمؑ وآل او در نظر گرفتی، آن را به طریق اولی، برای محمدﷺ و آل او درنظر بگیر. (ر.ک: شرح صحیح مسلم، ج۴، ص۱۲۵، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج۸، ص۴۱۰)

بدیهی است همه یا بیشتر این پاسخ‌ها، مورد اشکال وفاقد دلیل است. به نظر می‌رسد می‌توان با پرهیز از این تکلفات چنین پاسخ داد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

صورت دوم:

صورت دوم، عبارتی است که آن را احمد بن حنبل با سند خود از ابی حمید ساعدی نقل می‌کند. براساس این نقل، گروهی از صحابیان به پیامبر خداﷺ عرض کردند: چگونه بر شما درود فرستیم؟ حضرت فرمود بگویید: **اللهم صل علی محمد و ازواجه وذریته کما صلیت علی آل ابراهیم وبارک علی محمد وازواجه وذریته کما بارکت علی آل ابراهیم انک حمید مجید.** (ابن حنبل، ج۵، ص ۴۲۴، نیز نک: ابن ماجه، ج۱، ص۲۹۳، ابوداود، ج۱، ص۲۲۲، بیهقی، ج۲، ص۱۵۱)

ابوداود نیز با سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که وی گفت: پیامبرﷺ فرمود: هرکس دوست دارد اعمالش با کامل‌ترین پیمانه سنجش شود، هرگاه بر ما اهل بیت درود می‌فرستد، بگوید: اللهم صلّ علی محمد النبی و ازواجه امهات المومنین و ذریته واهل بیته کما صلّیت علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابو داود، ج۱، ص۲۲۲، نیز نک: بیهقی، ج۲، ص۱۵۱، مبارکفوری، ج۲، ص۴۹۵)

همچنین عبدالرزاق صنعانی با سند خود از عمرو بن حزم و او از مردی از اصحاب پیامبرﷺ (عن رجل من اصحاب محمدﷺ) نقل می‌کند که پیامبرﷺ می‌فرمود: اللهم صلّ علی محمد و علی اهل بیته و علی ازواجه و ذریته کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و علی اهل بیته و ازواجه و ذریته کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن ابی شیبة کوفی، ج۲، ص۲۱۱)

لازم نیست همیشه مشبه به، نسبت به مشبه، اکمل و اشرف باشد زیرا گاه مشهور ومعروف بودن آن برای الحاق وتشبیه کافی است هرچند به لحاظ رتبه ومنزلت در درجه نازل‌تری نسبت به مشبه قرار گیرد. چنان که قرآن می‌فرماید: مثل نوره کمشکاة ... (نور/۳۵)

و نیز درجاهای دیگر فرمود: کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم (بقره/ ۱۸۳)

انّا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح (نساء/۱۶۳)

احسن کما احسن الله الیک(قصص/۷۷)

در مساله مورد بحث نیز آشنایی و پیشینه‌ی ذهنی اهل زبان نسبت به ابراهیمؑ و امور مرتبط با آن حضرت، زمینه ساز و توجیه کننده این الحاق و تشبیه است هر چند به لحاظ مراتب و درجات، پایین تر از پیامبر اسلامﷺ می‌باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

صورت سوم:

صورت سوم، عبارتی است که در یکی از نقل‌های ابن ماجه به چشم می‌خورد. درروایتی که این محدث باسند خود از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند آمده است که وی گفت: هرگاه بر پیامبر خدا ﷺ درود می‌فرستید، این کار را به خوبی انجام دهید شما چه می‌دانید شاید این سخنتان بر او عرضه شود. برخی به او گفتند: به ما یاد ده چگونه بر ایشان درود فرستیم، پاسخ داد بگویید:

اللهم اجعل صلاتک و رحمتک و برکاتک علی سید المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین، محمد عبدک و رسولک امام الخیر و قائد الخیر و رسول الرحمه. اللهم ابعثه مقاما محمودا یغبطه الاوّلون و الاخرون، اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن ماجه، ج ۱، ص۲۹۴)

صورت چهارم:

ابوداود با سند خود از ابومسعود انصاری نقل می‌کند که وی گفت: درمجلس سعد بن عباده بودیم که پیامبر ﷺ برما وارد شد، آن جا بشیر بن سعد پیامبر ﷺ را مخاطب ساخته عرض کرد: خداوند به ما فرمان داده بر شما درود فرستیم، چگونه درود فرستیم؟ حضرت لحظاتی سکوت کرد، سپس فرمود بگویید: **اللهم صلّ علی محمد النبی الامی و علی آل محمد.** (ابوداود، ج ۱، ص۲۲۲)

بررسی

چنان که می‌بینیم، صورت اخیر، بخشی از صورت نخست است که نباید آن را گونه‌ای مستقل دانست، به خصوص این که راوی این حدیث یعنی ابومسعود انصاری همان راوی حدیث اول در صورت نخست است. تنها تفاوت میان این دو روایت، بلندی و کوتاهی ذکر صلوات در آنها است که این هم دلیل بر تعدد نیست.

در مورد صورت سوم نیز همان گونه که می‌بینیم، در حدیث مربوط به آن، عبارتی از پیامبر ﷺ نقل نشده است. آن چه در آن دیده می‌شود، جملاتی است از عبدالله بن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

مسعود، و این می‌تواند برداشت و استنباط خود وی از ذکر صلوات باشد. برخی در سند این روایت نیز خرده‌گیری کرده‌اند، از جمله هیثمی‌که در ذیل این روایت نوشته است:

رجاله ثقات الّا انّ المسعودی اختلط بآخر عمره ولم یتمیز حدیثه الاول من الآخر، فاستحق الترک کما قاله ابن حبّان. (ابن ماجه، ج۱، ص۲۹۴) "رجال نقل کننده این روایت مورد وثوق‌اند مگر مسعودی که در پایان عمرش دچار خلط شد به گونه‌ای که حدیث نخست خود را از حدیث بعدی‌اش تشخیص نمی‌داد بنابراین چنان که ابن حبّان نیز گفته سزاوار است حدیث او ترک شود."

در مورد صورت دوم نیز باید گفت: این عبارت را شمار کمتری از محدثان (نسبت به صورت نخست) نقل کرده‌اند و در همین مقدار نقل نیز برخی اشکال سندی کرده‌اند، از جمله هیثمی که پس از نقل صورت دوم از بریده می‌نویسد: این حدیث را احمد (بن حنبل) با سندی نقل کرده که درآن ابوداود اعمی قرار دارد و این راوی، ضعیف است. (هیثمی، ج۲، ص۱۴۴)

بنابراین باید مهم‌ترین صورت را صورت نخست دانست که شمار فراوانی از محدثان با سندهای متعدد آن را گزارش نموده‌اند و کسی هم در سند و مدلول آن مناقشه ننموده است.

ب- شیعه و ذکر صلوات

۱- جایگاه

نیاز به توضیح نیست که ذکر صلوات بر پیامبرﷺ و آل اوعلیهم‌السلام از نگاه شیعه، از اهمیت بسیار بالا و جایگاهی بی‌بدیل برخوردار است و تردیدی در تواتر روایات آن نیست. در ذیل به سه نمونه از این روایات که شیخ کلینی با سند صحیح نقل نموده است، بسنده می‌کنیم.

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق‌علیه‌السلام فرمود: اذا ذکر النبیﷺ فاکثروا الصلاة علیه، فانه من

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

صلّی علی النبیﷺ صلاة واحدة صلّی الله علیه الف صلاة فی الف صف من الملائکه، ولم یبق شیء مما خلقه الله الّا صلّی علی العبد لصلاة الله علیه وصلاة ملائکته. فمن لم یرغب فی هذا فهو جاهل مغرور، قد بریء الله منه و رسوله واهل بیته. (کلینی، ج۲، ص۴۹۲)

"هرگاه پیامبرﷺ یادشود، بر او درود فراوان فرستید، زیرا هرکس بر پیامبرﷺ یک درود فرستد، خداوند بر او هزار درود در هزار صف از فرشتگان فرستد. و هیچ یک از آفریدگان خدا باقی نمی‌ماند، مگر این که بر او درود فرستد، چون خدا و فرشتگان او بر وی درود فرستاده‌اند. پس هرکس به این ذکر بی‌رغبتی کند، نادان و فریب خورده است و خدا و پیامبر وخاندانش از او بیزار هستند."

هشام بن سالم نیز می‌گوید، امام صادقؑ فرمود: لا یزال الدعا، محجوبا حتی یصلّی علی محمد و آل محمد. (همان، ص۴۹۱) "دعا پیوسته در حجاب است (و به اجابت نمی‌رسد) تا این که بر محمدﷺ و خاندان او درود فرستاده شود."

و براساس نقل عبدالله بن سنان، آن حضرت فرمود: الصلاة علیّ وعلی اهل بیتی تذهب بالنفاق. (همان، ص۴۹۲) "درود فرستادن بر من و خاندانم نفاق را از بین می‌برد."

۲- حکم

از نظر فقهای شیعه، ذکر صلوات در تشهد نماز واجب است و می‌توان این حکم را مورد اتفاق ایشان دانست. صاحب جواهر می‌نویسد: "من در این مورد به کسی که به طور مسلّم مخالفت کرده باشد برنخوردم، بلکه صاحبان غنیه، تذکره، منتهی، ذکری وکنز العرفان در این باره ادعای اجماع کرده‌اند." (نجفی، ج۱۰، ص۲۵۳)

وی می‌افزاید: "در این زمینه تنها از شیخ صدوق و والدش و ابن جنید، نقل مخالفت شده"

سپس به این نکته اشاره می‌کند که با درنگ بیشتر در مواضع این سه تن، روشن می‌شود ایشان مخالف حکم مزبور محسوب نمی‌شوند و عبارت‌هایشان قابل توجیه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

است. برای مثال، اگر شیخ صدوق در برخی آثار خود گفته است "یجزی فی التشهد الشهادتان" (الامالی، ص۶۴۴) و سخنی از ذکر صلوات به میان نیاورده، این به سبب معروف بودن ذکر صلوات بر پیامبرﷺ پس از آمدن نام آن حضرت در شهادتین است. (نجفی،ج۱۰، ص۲۵۳) به هرحال سزاوار نیست در وجوب این ذکر در تشهد نماز، از نگاه شیعه تردید روا داشت، زیرا از پشتوانه روایی کافی برخوردار است، برای نمونه شیخ صدوق از امام صادقؑ نقل می‌کند:

ان الصلاة علی النبیﷺ من تمام الصلاه ... و من صلّی و لم یصلّ علی النبی و ترک ذلک متعمدا فلا صلاة له. (من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۳) "درود فرستادن بر پیامبرﷺ تمام کننده نماز است... هرکس نماز بگزارد ولی برآن حضرت درود نفرستد و این کار را از روی عمد ترک نماید، نمازی برای او نیست."

نیز از آن حضرت نقل می‌کند: اذا صلّی احدکم و لم یذکر النبیﷺ فی صلاته سلک بصلاته غیر سبیل الجنه. (ثواب الاعمال، ص۲۰۶، نیز نک: برقی، ج۱، ص۹۵) "هرگاه یکی از شما نماز بگزارد، ولی در نماز خود از پیامبرﷺ یاد نکند، با نماز خود راهی غیر از راه بهشت پیموده است."

آن چه گذشت، در مورد حکم این ذکر در حال نماز بود. اما چنان چه کسی در غیر این حال، نام پیامبرﷺ را به زبان آورد یا آن را از زبان دیگری بشنود، براساس فتوای مشهور در میان فقهای شیعه، مستحب موکّد است بر آن حضرت درود فرستد.

در این میان، صاحب حدائق، قائل به وجوب شده. (بحرانی، ج۸ ص۴۶۲) و همین قول را به ابن بابویه و صاحب کنز العرفان نیز نسبت داده است. (همان، ص۴۳۹)

مستند این قول نیز، برخی روایات از پیامبر اکرمﷺ است، برای نمونه:

– البخیل حقّا من ذکرت عنده فلم یصلّ علیّ. (صدوق، معانی الاخبار، ص۲۴۶)"به حق، بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و بر من صلوات نفرستد."

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

– البخیل کل البخیل الذی اذا ذکرت عنده لم یصلّ علیّ. (مفید، ج۲، ص۱۶۹) "بخیل کامل کسی است که هرگاه پیش او نام من برده شود بر من درود نفرستد."

– اجفی الناس رجل ذکرت بین یدیه فلم یصلّ علیّ. (ابن فهد، ص۴۱) "ستمکارترین مردم کسی است که در حضور او از من یاد شود ولی بر من درود نفرستد."

و مانند روایت ذیل از امام صادق علیه‌السلام: **الصلاة علی النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله واجبة فی کل موطن و عند العطاس و الذبائح و غیر ذلک.** (حرّ عاملی، ج۷، ص۲۰۳) "درود فرستادن بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در هر جایی (از جمله) هنگام عطسه نمودن و سر بریدن حیوانات وغیر این موارد واجب است."

صاحب جواهر پس از خدشه بر دلالت این روایات بر وجوب، به این نکته تصریح می‌کندکه آنان که با لسان شرع و رموز آن آشنایی دارند، می‌دانند که از این روایات چیزی جز استحباب استفاده نمی‌شود. افزون بر این، وی به اموری مانند اصل (برائت از وجوب)، اجماع و سیره قطعیه نیز تمسک می‌کند. (نجفی، ج۱۰، ص۲۵۹)

ممکن است گفته شود برخی روایات مانند روایت اخیر به صراحت، سخن از وجوب به میان آورده، ولی باید گفت به کارگیری این گونه تعبیرات از سوی ائمه علیهم‌السلام در اموری که واجب نبودن آنها قطعی است و در زمره مستحب‌های موکّد محسوب می‌شوند، امری است رایج. برای نمونه از امام صادق علیه‌السلام نقل است: "سجدة الشکر واجبة علی کل مسلم." (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۳۳۳)

نیز از آن حضرت نقل است: "العقیقة واجبة" (کلینی، ج۶، ص۲۵)

۳- چگونگی ذکر صلوات در منابع شیعه

چنان که می‌دانیم، عبارتی که شیعه به عنوان ذکر صلوات در حال نماز و غیر حال نماز به کار می‌برد، جمله معروف "اللهم صلّ علی محمد و آل محمد" است. به گفته صاحب جواهر، برخی از فقها وجوب بر زبان آوردن این عبارت در تشهد را مشهور

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

دانسته، بلکه برخی، اجماعی بودن آن را گمان کرده‌اند. (نجفی، ج۱۰، ص۲۶۲)

بی‌تردید گفتن این عبارت جهت ادای تکلیف، اعم از وجوبی یا استحبابی، کفایت می‌کند. ولی در این زمینه مباحثی وجود دارد که طرح آن‌ها به روشن‌تر شدن موضوع و رفع برخی ابهامات کمک می‌کند.

از جمله این که آیا انجام تکلیف، متعیّن در ادای این عبارت است. و یا با گفتن جملات مشابهی که در بردارنده همین مضمون باشد نیز تکلیف انجام می‌شود؟ می‌توان از مجموع روایات و سخنان فقها به وجه دوم دست یافت.

براساس نقل شیخ صدوق، آن گاه که از چگونگی درود فرستادن بر پیامبرﷺ سوال شد، حضرت فرمود می‌گویید: صلوات الله و صلوات ملائکته و انبیائه و رسله و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه وعلیهم و رحمة الله و برکاته. (معانی الاخبار، ص۲۶۳)

این درحالی است که به یقین می‌دانیم، می‌توان درود فرستادن بر آن حضرت را در قالب همان عبارت مشهور نیز انجام داد. به دیگر سخن، این جمله تنها در قالب یک مثال، آن هم با عبارتی کوتاه ارزیابی می‌شود. چنان که صاحب جواهر نیز پس از پاره‌ای مباحث می‌نویسد: من ذلک کله یعلم حینئذ ان ما ورد فی النصوص من اللفظ المخصوص علی جهة المثال. (نجفی، ج۱۰، ص۲۶۳) "از همه آن چه گفتیم دانسته می‌شود لفظ ویژه‌ای که در نصوص آمده (صرفا) از باب مثال است."

وی در جایی دیگر می‌نویسد: لا ریب فی أنّ الاقوی إجزاء مطلق مسمی الصلاة علی النبیﷺ و ان کان الاحوط الاقتصار علی اللفظ المخصوص. (همان، ص۲۶۴) "شکی نیست در این که فتوا، کفایت نمودن هرگونه عبارتی است که بتوان آن را درودفرستادن بر پیامبرﷺ نامید، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که بر همان لفظ مخصوص بسنده شود."

وی هم چنین از علامه حلی نقل می‌کند که گفته است: اگر شخص بگوید: صلّی الله

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

علی محمد و آله یا صلّی الله علیه و آله یا صلّی الله علی رسوله و آله، کفایت می‌کند چون با همه این عبارت‌ها، مقصود حاصل است. (همان)

بحث مهمّ دیگر آن که آیا لازم است در این ذکر، آل و خاندان پیامبرعلیهم‌السلام نیز همراه با پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله آورده شود یا تنها درود فرستادن بر آن حضرت کفایت می‌کند؟

ظاهر بدوی برخی روایات، احتمال دوم است. (نک: کلینی، ج۱، ص۴۵۱، ج۳، ص۳۰۳ و ۳۴۱، ج۴، ص ۳۳۱، صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۳۱۸، طوسی، تهذیب الاحکام، ج۲، ص۶۵، ج۴، ص ۲۳۱، ج۵، ص۷۷) ولی چنان که گفتیم این ظهور، بدوی است و تنها در مقام بیان اهمیت اصل این ذکر و با قطع نظر از نکات الحاقی آن است، چرا که بر اساس مدلول صریح بسیاری از روایات، تردیدی در ضرورت آوردن آل پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله پس از نام آن حضرت نیست. صاحب جواهر می‌نویسد: نصوصنا مستفیضة فی ذلک. (نجفی، ج۱۰، ص۲۶۲)

آن چه در ذیل می‌آید نمونه‌های اندکی از این روایات است:

صدوق به اسناد خود از ابان بن تغلب از امام باقرعلیه‌السلام نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلامصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: من صلّی علیّ و لم یصلّ علی آلی لم یجد ریح الجنّه و ان ریحها لتوجد من مسیرة خمسمأة عام. (الامالی، ص۲۰۰، نیز نک: مجلسی، ج۹۱، ص۵۶، فتّال نیشابوری، ج۲، ص۳۲۳) "هرکس بر من درود فرستد و برخاندانم درود نفرستد، بوی بهشت را نمی‌یابد و این در حالی است که بوی بهشت از مسیر پانصد سال به مشام می‌رسد."

نیز شیخ صدوق از امام صادقعلیه‌السلام نقل می‌کند که پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: اذا صلّی علیّ ولم یتبع الصلاة علی اهل بیتی کان بینها و بین السماوات سبعون حجابا و یقول الله تبارک و تعالی: لا لبّیک و لا سعدیک، یا ملائکتی لا تصعدوا دعائه الّا ان یلحق بالنبیصلی‌الله‌علیه‌وآله عترته، فلا یزال محجوبا حتی یلحق به اهل بیتی. (الامالی، ص۵۸۰، ثواب الاعمال، ص۱۵۷، شعیری، ص۶۳، نیز نک: حرّ عاملی، ج۷، ص۲۰۴، مجلسی، ج۹۱، ص۵۶)

"هرگاه شخصی بر من درود فرستد ولی به دنبال آن، برخاندانم درود نفرستد، میان او و آسمان‌ها هفتاد حجاب خواهد بود و خداوند تبارک وتعالی می‌فرماید: لا لبیک ولا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

سعدیک، ای فرشتگانم! دعای او را بالا نبرید تا این که خاندان پیامبرﷺ را به او ملحق سازد، او پیوسته محجوب خواهد بود تا این که اهل بیتم را به من محلق سازد."

شیخ کلینی نیز با سند خود از ابن قدّاح از امام صادقؑ نقل می‌کند که فرمود: سمع ابی رجلا متعلقا بالبیت و هو یقول: اللهم صل علی محمد. فقال له ابی: یا عبدالله! لا تبترها لا تظلمنا حقنا، قل: اللهم صل علی محمد واهل بیته. (ج۲، ص۴۹۵، نیز نک: ابن فهد، ص۱۶۲، حرّ عاملی، ج۷، ص۲۰۲)

پدرم شنید درحالی که مردی به خانه خدا آویخته بود، می‌گفت: اللهم صلّ علی محمد، به او فرمود: ای بنده خدا! صلوات را ابتر انجام نده، درمورد حق ما ستم نکن. بگو: اللهم صلّ علی محمد و اهل بیته.

در روایتی دیگر از پیامبراسلامﷺ آمده است: لا تصلّوا علیّ صلاة مبتورة، بل صلّوا الی اهل بیتی و لا تقطعوه، فان کل نسب و سبب یوم القیامه منقطع الا نسبی (حرّ عاملی، ج۷، ص۲۰۷، مجلسی، ج۵، ص۲۰۸) "برمن صلوات بی‌دنباله نفرستید، بلکه به اهل بیتم (نیز) درود فرستید و آن را قطع ننمایید، زیرا روز قیامت هر پیوند نسبی و سببی بریده خواهد بود مگر پیوند نسبی من."[1]

---

۱. شبهه‌ای که ممکن است در این جا طرح شود آن که به موجب آیه "**یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه وسلّموا تسلیما**"(احزاب/۵۶)، تنها به صلوات فرستادن بر پیامبرﷺ فرمان داده شده و نه در این آیه و نه در هیچ آیه دیگر، برای درود فرستادن بر خاندان پیامبرﷺ فرمانی صادر نگردیده است.

به نظر می‌رسد بهترین پاسخ به این شبهه، سخنی است که از امام رضاؑ طی گفت وگویی که بین ایشان و مامون عباسی رخ داده، نقل گردیده. حاصل این گفت و شنود که آن را شیخ صدوق به تفصیل گزارش می‌کند چنین است:

مامون خطاب به حضرت می‌گوید: در مورد صلوات بر پیامبر اختلافی نیست و در این زمینه اجماع امّت، تحقّق یافته است، آیا درباره صلوات بر آل، دلیل روشنی از قرآن دارید؟

حضرت فرمود: بله، به من بگویید مقصود از "یس" در آیه یس "والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین" (یس/۱و۲) چیست؟ علمای حاضر در مجلس گفتند: بی‌تردید مقصود از آن پیامبرﷺ است. حضرت فرمود: پس مقصود از "آل یس" آنجا که خداوند می‌فرماید سلام علی آل یس (صافات/۱۳۰) خاندان پیامبرﷺ خواهد بود. افزون بر آن خداوند در شماری از آیات به برخی از پیامبران، سلام داده، برای مثال فرموده: سلام علی نوح فی العالمین (صافات/۷۹) سلام علی ابراهیم (صافات/۱۰۹) سلام علی موسی وهرون (صافات/۱۲۰) و نفرموده سلام علی آل نوح، سلام علی آل ابراهیم، سلام علی آل موسی و هرون و حال آنکه خداوند بر خاندان این پیامبران نیز درود فرستاده زیرا می‌گوییم: "کما صلّیت علی ابراهیم وآل ابراهیم"

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

بحث قابل طرح دیگر در پیوند با چگونگی ذکر صلوات، آن است که آیا اعاده حرف "علی" بر سر کلمه "آل" چنان که در تعبیرات برادران اهل سنت رایج است حکمش چیست؟ گاه در این باره، شاهد برخی تعصبات هستیم و با این کار، به شدت مخالفت می‌شود و حتی به منظور مردود شمردن چنین تعبیری به حدیثی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله تمسک می‌شود که بر اساس آن حضرت فرمود: **من فصّل بینی و بین آلی لم تنله شفاعتی.** "هرکس میان من و آلم فاصله بیندازد، شفاعتم به او نخواهد رسید."

حال آن که شایسته است با پرهیز از این گونه اختلافات لفظی و جزئی، با هر دو تعبیر رایج در میان شیعه و سنی کنار آمد.

محقق معاصر، محمد جواد مغنیه در تاکید بر همین مهم می‌نویسد:

"ما هیچ فرقی میان عبارت اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عبارت اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد نمی‌بینیم."

در مورد حدیث مزبور نیز می‌نویسد: "**الله اعلم بصحته**" (مغنیه، ج۶، ص۲۳۷)

از نظر نگارنده نه تنها صحت این حدیث، بلکه اصل وجودش قابل درنگ و تامل است، زیرا با تفحص فراوانی که با بهره‌گیری از امکانات نرم افزاری در همه منابع حدیثی شیعه انجام شد، اثری از این حدیث یافت نگردید.

بر فرض وجود و صحت سند این حدیث، مدلول آن نیز قابل درنگ است، زیرا معلوم نیست مقصود حضرت از فاصله انداختن میان او و آلش، آوردن حرف "علی" بر سر کلمه "آل" باشد، زیرا احتمالات دیگر نیز متصور است، مانند جدایی انداختن بین حضرت و خاندانش در احترام و تکریم یا در معصوم دانستن ایشان یا در مساله ولایت و اموری از این قبیل.

و از این جا دانسته می‌شود که صلوات فرستادن بر آل محمد صلی الله علیه و آله نیز مطلوب و مورد نظر است. (ر.ک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۳۶، نیز ر.ک: تفسیر صافی، ج۲، ص۳۶۵)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

پس بهتر است از یک سو، مشهورترین و پرنقل‌ترین صورت صلوات در میان اهل سنت را – که مذکور گردید – مد نظر قرار دهیم و از سوی دیگر بر حذف حرف "علی" بر سر کلمه "آل" جمود نورزیم و الفاظ ما زاد بر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش را از مستحبات و قابل حذف بدانیم، با این فرض‌ها می‌توان گفت عبارت "اللهم صلّ علی محمد و آل محمد" اعم از این که همراه با حرف "علی" بر سرکلمه "آل" باشد یا خیر، عبارتی است مشترک میان فریقین، و می‌توان این ذکر نورانی و پر استعمال را وسیله‌ای ارزشمند در راستای وحدت امت اسلامی قرار داد.

جالب این که در منابع اهل سنت نیز، گاه ذکر صلوات، عیناً با همان عبارت رایج در میان شیعه نقل گردیده. برای نمونه از کعب بن عجزه نقل کرده‌اند که هنگام نزول آیه ۵۶ سوره احزاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض شد: چگونه برشما صلوات بفرستیم؟ فرمود بگویید: **اللهم صلّ علی محمد و آل محمد** ... (ابو داود، ج۱، ص۲۲۱)

مازاد بر عبارت فوق، عباراتی مانند: "کما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم" و "کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم" گفتن آن‌ها مستحب و غیر دخیل در تحقق اصل صلوات است، چنان که صاحب جواهر می‌نویسد:

الظاهر عدم مدخلیة الزیادات فی کیفیة اصل الصلاة بل هی مستحب فی مستحب. (نجفی، ج۱۰، ص۲۶۴) "ظاهر (روایات) آن است که الفاظ مازاد، دخالتی در چگونگی اصل صلوات ندارد بلکه آن‌ها مستحب در مستحب می‌باشند."

وی به نقل از علّامه حلّی نیز می‌نویسد: **المجزی من الصلاة: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و مازاد مستحب بلاخلاف.** (همان، ص۲۶۳) "در درود فرستادن (برپیامبر صلی الله علیه و آله) عبارت **اللهم صلّ علی محمد و آل محمد** کفایت می‌کند و مازاد بر آن، بدون اختلاف در میان فقها، مستحب است."

نتیجه‌گیری

روایات اهل سنت و شیعه و نیز سخنان فقهای فریقین، حاکی از جایگاه رفیع ذکر صلوات بر پیامبرﷺ و اهل بیت او است. از نظر فقهای شیعه، ادای این ذکر در تشهد نماز واجب است و به حسب ظاهر می‌توان فقهای اهل سنت یا بیشتر آنان را نیز همراه با این دیدگاه دانست.

در مورد چگونگی ذکر صلوات، تفاوت‌هایی در روایات اهل سنت به چشم می‌خورد. ولی می‌توان قدر مشترک میان آنها را عبارت "اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد" دانست، زیرا این مضمون، در همه عبارت‌های منقول در روایات آنان به چشم می‌خورد. از سوی دیگر دلیلی بر لزوم آوردن حرف "علی" بر سر کلمه "آل" وجود ندارد. به دیگر سخن، با گفتن این عبارت، تکلیف اعم از وجوبی یا استحبابی ادا می‌گردد و بدین ترتیب نوعی قرابت و همگرایی بین شیعه و اهل سنت حاصل می‌شود.

البته شیعیان، بر لزوم الحاق آل پیامبرﷺ به آن حضرت و به تعبیر دیگر بر مردود بودن صلوات مبتوره، تاکید و اهتمام فراوان دارند، ولی محدثان و عالمان اهل سنت در این باره، اهتمام چندانی نشان نمی‌دهند و شایسته است عالمان اهل سنت، در این مورد درنگ بیشتر کنند و در صورتی که جوامع حدیثی آنان متعرض این امر نشده، با تکیه بر راویان مورد وثوق شیعه، این نقیصه را برطرف نمایند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]

منابع

قرآن کریم

۱- ابن ابی شیبة کوفی، *المصنف*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.

۲- ابن بطریق، *خصائص الوحی المبین*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۷ق.

۳- ابن حنبل، احمد، *المسند*، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

۴- ابن فهد، *عدة الداعی*، تهران، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ق

۵- ابن ماجه، محمد، *السنن*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.

۶- ابوداود، سلیمان بن اشعث، *السنن*. بیروت، دارالفکر، بی‌تا.

۷- بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضره*، قم، انتشارات جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، بی‌تا.

۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الصحیح*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۹- ــــــــــــــــ ، *الادب المفرد*، تحقیق فؤاد عبدالباقی، مؤسسهٔ الکتب الثقافیه، بی‌تا.

۱۰- برقی، محمدبن خالد، *المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.

۱۱- بکری دمیاطی، *اعانة الطالبین*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.

۱۲- بیهقی، احمدبن حسین، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.

۱۳- ترمذی، محمدبن عیسی، *السنن*، بیروت، دارالفکر،۱۴۰۳ق

۱۴- جهضمی، اسماعیل‌بن اسحاق، *فضل الصلاة علی‌النبی*ﷺ، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۷۹ق.

۱۵- حاکم نیشابوری، *مستدرک الصحیحین*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۳ق.

۱۶- حرّ عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، موسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

۱۷- دارمی، عبدالله‌بن بهرام، *السنن*، دمشق، مطبعة الاعتدال، بی‌تا.

۱۸- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *اعلام الدین*، قم، موسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.

۱۹- زرندی، محمد بن یوسف، نظم *دررالسمطین*، مکتبة المیرالمؤمنین علیه‌السلام،۱۳۷۷ق.

۲۰- شافعی، محمد بن ادریس، *المسند*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

۲۱- شعیری، تاج الدین، *جامع الاخبار*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۵ش.

۲۲- صدوق،محمدبن علی، *الامالی*، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ش.

۲۳- ــــــــــــــــ ، *ثواب الاعمال*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ش.

۲۴- ــــــــــــــــ ، *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام، تهران انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.

۲۵- ــــــــــــــــ ، *معانی الاخبار*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه، ۱۳۶۱ش.

۲۶- ــــــــــــــــ ، *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه، ۱۴۱۳ق.

۲۷- طوسی، محمدبن حسن، *الامالی*، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.

۲۸- ـــــــــــــــــــ ، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب العلمیه، ۱۳۶۵ش.
۲۹- عسقلانی، ابن حجر، *فتح الباری بشرح البخاری*، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، بی‌تا.
۳۰- فتّال نیشابوری، محمد بن حسن، *روضة الواعظین*، قم، انتشارات شریف رضی، بی‌تا.
۳۱- فیض کاشانی ملّامحسن، *تفسیر صافی*، تهران، المکتبة الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۳۲- قاضی نعمان مغربی، *شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار*، قم، انتشارات جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، بی‌تا.
۳۳- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۴- مبارکفوری، محمد عبدالرحمن، *تحفة الاحوذي*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۳۵- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۶- مغنیه، محمد جواد، *التفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتاب، ۱۴۲۴ق.
۳۷- مفید، محمد بن نعمان، *الارشاد*، قم، کنگرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۸- نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳۹- نسایی، احمدبن شعیب، *السنن*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۸ق.
۴۰- نوری، میرزاحسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.
۴۱- نووی، محیی الدین، *شرح صحیح مسلم*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۲- هیثمی، نورالدین، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.10.6]